

بچه‌وران اشتغال و زنان چادرهای مشکی و انقلاب

محبوبه ابراهیمی

اشاره

زنان در نگاه امام راحل رهبران نهضت هستند و انقلاب به آنان منسوب است، سرکار خانم محبوبه ابراهیمی در نوشتار ذیل، درصدد تبیین و تشریح همین نگاه است. وی با مروری بر پیشینه کشف حجاب و تلاش سردمداران پهلوی برای بی‌هویت کردن زن ایرانی، به نقش هدایت‌گرایانه امام و انقلاب در هویت‌بخشی به زنان و ترغیب آنان به حضور در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی می‌پردازد و با مقایسه جایگاه زن ایرانی در قبل و بعد از انقلاب، از الگوپذیری زن مسلمان ایرانی از دو بانوی بزرگ اسلام، حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س)، سخن می‌گوید....

خیابان چهارمردان قم در ازدحام فریادها و چادرهای مشکی گم شده بود. زن‌ها با برداشتن هر چه در نزدیکی شان بود، به سمت خیابان می‌دویدند: فریادهای الله اکبر شان به آسمان برمی‌خاست. سراسر خیابان بازتاب شور انقلابی بانوان شده بود؛ می‌آمدند تا بگویند مبارزه با طاغوت و کفر، زن و مرد نمی‌شناسد. هر کسی چیزی در دست داشت: چوب، چاقو، میله آهن و هر چه در دسترس بود. آمده بودند تا با ابتدایی‌ترین سلاح‌ها از امام و اسلام دفاع کنند. شهید بهشتی که در آن دوران طلبه‌ای جوان بوده است، در وصف این حادثه می‌گوید: «اولین جوشش پر خروش از خود قم برخاست، در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ خونین‌ترین:

پرشکوه‌ترین، زیباترین و گرم‌ترین صحنه‌های پیکار عاشقانه زن و مرد مسلمان با طاغوت در خود قم بود. خوب به یاد دارم زن‌های پایین شهر قم چادر به دست چوب‌ها را به سر گرفته بودند؛ آمده بودند به سمت میدان نبرد حق علیه باطل و من همان موقع به برادران می‌گفتم: برادران! مژده باد شما را که امروز به برکت قیام امام در شهر قم این زن‌ها چادر بر سر و چوب به دست به جنگ استکبار آمده‌اند.^۱

از همین رو بود که بنیانگذار و معمار حقیقی انقلاب اسلامی در نخستین روزهای ورودشان به شهر مقدس قم در جمع زنان مبارز خیابان چهارمردان گفتند: «نام بزرگ قم در بین ملت ایران به رشد سیاسی و فعالیت و جانفشانی در تاریخ ثبت شد، نام بزرگ چهارمردان در فداکاری و جان‌نثاری در تاریخ عالم ثبت شد، نام بزرگ بانوان ایران ثبت شد، نام بزرگ بانوان قم ثبت شد، نام بزرگ بانوان چهارمردان ثبت شد. بانوان قم و بانوان چهارمردان پیشرو این نهضت اسلامی بودند، رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند، نهضت را راهنمایی کردند. شما رهبران نهضت هستید، بانوان رهبران نهضت ما هستید. ما دنباله آن‌ها هستیم، من شما را به رهبری قبول دارم و خدمت‌گذار شمایم... اسلام احتیاج به مردان و بانوان فداکار دارد. امروز احتیاج بیش‌تر است. احتیاج به بانوان معظم، احتیاج به چهارمردان بیش‌تر است...»^۲ و در جای دیگری فرمودند: «دروود بی‌پایان بر بانوان ایران، شما بانوان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید؛ خداوند از شما راضی باشد... من اخبار قم و سایر بلاد را می‌شنیدم، من اخبار چهارمردان را می‌شنیدم؛ من در خودم غرور احساس می‌کنم برای این شجاعت، بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد در این پیروزی پیشقدم هستند. آن‌ها مردان را تشجیع کردند؛ مردان ما مرهون شجاعت‌های شما زن‌های شیردل هستند.»^۳

حضرت امام حتی انقلاب را منسوب به زنان دانستند^۴ و به صراحت خدمت مردها به انقلاب را نیز مرهون خدمت زن‌ها می‌دانستند.^۵ شکی نیست که این حضور، افزون بر ایجاد رعب و وحشت در دل رژیم، تأثیر شگرفی بر روحیه مردان نیز داشته، چنانکه روح خدا بر این حقیقت صحه می‌نهند که «در مردها یک حسسی است که اگر ببینند زن‌ها بیرون آمده‌اند از خانه‌ها برای یک مقصدی، اگر قوه‌شان یکی باشد ده تا می‌شود.»^۶ و در جای دیگر، حضور زنان در انقلاب را موجب تهییج مردها می‌دانند.^۷ رهبر معظم انقلاب نیز بر این نقش استثنایی تأکید ویژه دارند و حتی پیروزی انقلاب را در گرو و آن می‌دانند: «اگر حضور زنان در نهضت انقلاب ملی ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد و یا اصلاً پیروز نمی‌شد.»^۸

بنابراین، انکار نقش زنان در پیروزی انقلاب، به منزله انکار یکی از بدیهیات انقلاب و تأییدات امام و رهبری است. اما

به یاد دارم زن‌های پایین شهر قم چادر به دست چوب‌ها را به سر گرفته بودند؛ آمده بودند به سمت میدان نبرد حق علیه باطل و من همان موقع به برادران می‌گفتم: برادران! مژده باد شما را که امروز به برکت قیام امام در شهر قم این زن‌ها چادر بر سر و چوب به دست به جنگ استکبار آمده‌اند.

قبول این موضوع نیز سؤالی را در ذهن تداعی می‌کند؛ اینکه زنان ما بدون داشتن تحصیلات عالی حوزوی و دانشگاهی، چگونه به این بصیرت سیاسی و اجتماعی رسیده، به اهمیت حضور خود در میدان پی‌برند؟

به طور کلی در فرایند تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، زنان دچار تحولات عمیق روحی، فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گوناگون شدند که ریشه آن را باید در افکار و گرایش‌های مذهبی آن‌ها جست‌وجو کرد. باورهای مذهبی به قدری در اندیشه زنان ما ریشه دوانده بود که توانایی برخوردار شدن از صحیح‌ترین تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی را به آن‌ها می‌داد؛ لکن افزون بر این مورد، عوامل متعدد دیگری نیز در ایجاد تحولات مذکور نقش اساسی داشته‌اند که به اختصار به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

جنبش زنانه، ثمره اعجاز انقلاب

انقلاب اسلامی ایران به تعبیر بسیاری از صاحب‌نظران، جزء استثناهای انقلاب‌های جهان است. بنیانگذار انقلاب نیز تأکید دارند که هیچ انقلابی را نمی‌توان در دنیا یافت که مانند انقلاب ایران باشد.^{۱۰} و در مرتبه‌ای بالاتر، انقلاب را واقعه‌ای اعجاز‌آمیز می‌دانند. قدرت این معجزه به حدی است که آن بزرگوار در جای دیگر می‌فرماید: «نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد به وجود آورد که ره صد ساله را یک شبه طی نموده‌اند.»^{۱۱} با کمی تأمل، این نتیجه حاصل می‌شود که اگرچه انقلاب، ساخته خواهش‌های درونی مردم بود، اما باید آن را معادله‌ای دو طرفه دانست که از سوی دیگر نیز قابل اثبات است؛ به این معنا که تحول ایجاد شده در دل‌ها، مشتمل انقلاب را افروخت و از سوی دیگر اعجاز انقلاب، انقلابی درونی را در دل‌های زن و مرد پدید آورد تا بسیاری ارزش‌های نادیده را ببینند. به واقع تحول ایجاد شده در میان بانوان را نیز باید از آثار برجسته این معجزه دانست. حضرت امام (ره) در بیان این تحول، حرکت زنان از بی‌بند و باری و ابتدال و بی‌هویتی به سوی عفاف، کمال جویی و تحول فکری را، هنر انقلاب می‌دانند.^{۱۲} با وجود این می‌توان ادعا کرد که سیل انقلاب و اعجاز آن، برای حرکت روح و جسم زنان در رسیدن به بینش و شناخت جامع از ماهیت و ترندهای دشمن، به تنهایی کافی بود.

توغیب امام (ره) به حضور زنان در صحنه فرمایشات رهبر کبیر انقلاب - چه پیش از پیروزی و چه پس از آن - چنان تأثیر ژرفی در دل‌های مردم داشت که می‌توان آن را اصلی‌ترین سلاح آن‌ها دانست. مردم در تمام مراحل انقلاب، اهداف و مسیر پیش روی را با تمسک به اعلامیه‌ها و هدایت‌های روشنگرانه آن بزرگوار، ترمیم می‌کردند. حضرت امام (ره) نیز از منظر یک مصلح، دید و سیمای درباره تمام

حضرت امام (ره) در بیان این تحول، حرکت زنان از بی‌بند و باری و ابتدال و بی‌هویتی به سوی عفاف، کمال جویی و تحول فکری را، هنر انقلاب می‌دانند.

حضرت امام حتی انقلاب را منسوب به زنان دانستند و به صراحت خدمت مردها به انقلاب را نیز مرهون خدمت زن‌ها می‌شمردند.

آحاد جامعه داشتند و نگرش نویی را در مورد زنان ارائه کردند: بدین ترتیب نقش مؤثری در وارد نمودن زنان به صحنه جهاد با دشمن داشتند. بینش ایشان در باب فعالیت‌های زنان به قدری وسیع بود که حتی ارزش فعالیت آن‌ها را در به ثمر رسیدن انقلاب، بیش‌تر از مردها می‌دانستند و تلاش آن‌ها را موجب دو برابر شدن قدر و منزلت تلاش مردها می‌نامیدند.^{۱۳} حضرت امام (ره) حتی پارها آشکارا بر حضور زنان در صحنه تأکید و آنان را ترغیب فرمودند: «باید شما خانم‌ها نقش بسیار فعال داشته باشید»^{۱۴} «زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند»^{۱۵} «زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند»^{۱۶} «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند؛ تکلیفشان این است»^{۱۷} بدین ترتیب زنان با تأکیدهای پیشوای نهضت، به حضور در صحنه انقلاب و شرکت در تظاهرات بر ضد رژیم، به صورت یک وظیفه‌می‌نگریستند و به آینده درخشان قیام و جهاد خود امیدوار بودند.

دفاع از اسلام؛ دفاع از منزلت زن

جهاد برای حفظ اسلام، یکی از اهداف و انگیزه‌های مشترک مرد و زن برای حضور در صف انقلاب بود؛ اما به نظر می‌رسد که این انگیزه در باور زنان، شکل ویژه‌ای داشته است. بانوان مسا در آن دوران از تفاوت‌های نگرش اسلام و ادیان دیگر درباره زن آگاهی چندانی نداشتند؛ اما به دلیل شنیدن برخی داستان‌های تاریخی پیش از اسلام و ایمان به این که اسلام پس از ظهور منزلت ویژه‌ای به زن بخشیده است، آن را منجی خویش می‌دانستند.

به بیان دیگر، احیای اسلام و بقای آن برای زنان ما، به منزله استقرار هویت بنیان‌نهادنده توسط رسول خدا برای آنان بود. به تعبیر حضرت امام، «کسی زن را مجبور به ایستادن در مقابل مسلسل‌های رژیم نکرده بود، به خاطر قدرت و ریاست این کار را نمی‌کردند؛ این اسلام و قرآن بود که خانم‌ها را آورد بیرون»^{۱۸} زنان در دوران قیام علیه رژیم پی‌برند که نابودی اسلام، پایمال شدن منزلت زن را به دنبال دارد؛ از این رو به نابودی دین مبین اسلام تن ندادند تا تاریخ مظلومیت زن، دوباره تکرار نشود.

فریاد آزادی خواهی برای حفظ حجاب

رژیم پهلوی، در ۵۰ سال سلطنت سیاه خود، کشف حجاب را سرلوحه برنامه‌های اساسی و سیاست‌هایش قرار داده بود. مستر همفر - جاسوس انگلیسی - در پیشنهادی خود به وزارت مستعمرات انگلیس گفته بود: «لازم است با این توجیه که حجاب از عادات دوره خلفای بنی عباس بوده و ریشه در اسلام ندارد، زنان مسلمان را تشویق کنیم از حجاب دست بردارند. بعد از آن که زنان از حجاب بیرون آمدند، جوانان را نسبت به آن‌ها تشویق و تحریک کنیم تا بین آن‌ها فساد ایجاد شود»^{۱۹} با وجود این، زنان مسلمان، پایبندی عمیقی به حفظ حجاب داشتند. گواه این مدعا پیوستن زنان به جرگه بی‌حجاب‌ها و بی‌اعتنایی به تأسیسات و مدارس و حتی نشریات کاذب آن دوران است؛ برای نمونه می‌توان از انجمن بانوان در اصفهان (تأسیس ۱۲۸۸)، انجمن نهضت بانوان در تهران (تأسیس ۱۳۰۷)، نشریه دانش ویژه بانوان به صاحب امتیازی دکتر کحال دختر یک یهودی، مدرسه فرحیه نوبارگان (تأسیس فرح) و مدارس ماندگرمکتب‌خانه شریعه در اصفهان (تأسیس صدیقه دولت آبادی) نام برد که با لعاب دینی، احکام ضد شرع را تبلیغ می‌کردند.^{۲۰} افزون بر ایجاد این مراکز، رژیم شاهنشاهی جهت پای در آوردن زنان مسلمان و جدایی آن‌ها از حجاب، خشن‌ترین شیوه‌ها را در واقعه کشف حجاب به کار بست. این واقعه به قدری تلخ و تکان‌دهنده بود که مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، با شنیدن خبر آن، از غصه بیمار شد و یک سال بعد به واسطه همان بیماری درگذشت.^{۲۱} اما زنان انقلابی، با هیچ یک از این اقدامات از پای ننشستند و حتی کوبنده‌تر از پیش، در تظاهرات‌ها همصدا با مردان فریاد می‌زدند. «ای زن به تو از فاطمه این گونه خطاب است، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است»^{۲۲} همچنین با نوشتن جملاتی مانند «زن آزاده، حجاب اسلامی دارد»^{۲۳} روی دیوارها، بر حفظ حجاب خود پافشاری می‌کردند. به واقع حضور در انقلاب، راهی برای رسیدن به آزادی حفظ حجاب اسلامی برای زنان بود.



الگوپذیری از دو بانوی بزرگ

یکی از ویژگی‌های زنان مسلمان، پیوند مستحکم با اهل بیت، فرهنگ عاشورا و مظلومیت حضرت زهرا (س) است. آن‌ها به این درک والا رسیده بودند که بی‌بی زینت (س) پرچمدار نهضت عاشورا و بانو فاطمه (س) داعیه‌دار حمایت از ولایت در مدینه بود؛ بر این اساس، با الگوپذیری از آن بزرگواران، دوشادوش مردان در صحنه‌ها حضور می‌یافتند تا پیرو راستینی برای آن رهنمایان باشند. دکتر ویدیک - اندیشمند غیر ایرانی - در همایش زن در آینده ادیان با بیان این که طی دوران انقلاب در ایران حضور داشته است، گفت: زنان ایران، حضرت فاطمه زهرا (س) را - که نه تنها بانوی ایران و تشیع بلکه بانوی همه دنیاست - الگو قرار داده بودند.^{۲۴} بنابراین دور از ذهن نیست اگر پایداری و فداکاری زنان در طول انقلاب و سینه سپر کردن در برابر توپ و تانک‌ها را موهون الگوپذیری از حضرت فاطمه زهرا و زینب کبری (سلام... علیهما) بدانیم.

تلاش برای احیای حقوق پایمال شده

در اسلام، اصل بر تساوی - نه تشابه - حقوق زن و مرد است؛ اما رژیم شاه با برداشت نادرست از این اصل و با در نظر گرفتن تشابه حقوق زن و مرد، حتی خدمت سربازی را برای دختران ۱۸ ساله الزامی نموده بود؛ در عوض بسیاری از حقوق اساسی زنان را پایمال کرده، به آن‌ها فقط از بعد جنسی نظر داشت. حضرت امام (ره) در برابر توضیح ظالمانه حقوق بانوان، به شدت اعتراض کردند.^{۲۵} زنان نیز که بیش از قشرهای دیگر از رژیم ضربه خورده بودند و اطمینان‌ناداشتند که تنها تشکیل نظام جمهوری اسلامی به رهبری مردی چون خمینی کبیر قادر به احیای این حقوق از دست رفته است، از هیچ تلاشی برای رسیدن به طلیعه فجر انقلاب خودداری نکردند.

بهره زنان از انقلاب اسلامی

بر مبنای دلایل مذکور، زنان به یاری مردها شتافتند و با تلاش پیگیر خود، انقلاب را به پیروزی رساندند؛ اما پس از پیروزی انقلاب این فشر تا چه حد به مطالباتشان دست یافتند؟ و آیا دستاوردهای انقلاب، مطلوب بانوان ما بوده است؟ آمار ارائه شده از مراکز گوناگون، پاسخ این سؤال را به خوبی نشان می‌دهد: «سن امید به زندگی در زنان در سال ۵۷، ۳۵/۶ سال بوده که در سال ۷۲ به ۶۹ سال افزایش یافته و این افزایش، ناشی از بهبود وضعیت بهداشت و تدابیر نظام می‌باشد»^{۲۶} «در سال‌های پس از انقلاب درصد بیش تری از دخترها امکان تحصیل در دانشگاه را داشته‌اند؛ به طوری که در سال‌های اخیر، ۶۴ درصد ورودی دانشگاه‌ها را زنان تشکیل داده‌اند»^{۲۷} «حضور زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی و متناصب تصمیم‌گیری نظام، در مقایسه با سال‌های پیش از انقلاب به حدی افزایش داشته که تعداد

زنان در دوران قیام علیه رژیم پین بردند که نابودی اسلام، پایمال شدن منزلت زن را به دنبال دارد.

سن امید به زندگی در زنان در سال ۵۷، ۳۵/۶ سال بوده که در سال ۷۲ به ۶۹ سال افزایش یافته و این افزایش، ناشی از بهبود وضعیت بهداشت و تدابیر نظام می‌باشد

نمایندگان زن از ۴ نفر در مجلس اول به ۱۳ نفر در مجلس ششم افزایش یافته است»^{۲۸} هر چند دستاوردهای بی‌بدیل انقلاب اسلامی برای بانوان، بسیار فراتر از حد مذکور و موارد اشاره شده، تنها بخشی از برکات انقلاب است؛ لکن توجه به نکات قوت نباید موجب غفلت از کاستی‌ها شود. امروز یکی از مسایل اصلی گریبانگیر زنان جامعه ما، موضوع اشتغال است که به ویژه برای زنان سرپرست خانواده نقشی حیاتی دارد. در سال ۶۸ و با شروع توسعه اقتصادی، زنان به تدریج در شغل‌های سختی گماشته شدند که نه در شان آن‌ها بود، نه در حد توانشان. براساس آمار اعلام شده، در سال جاری ۵۹ درصد از کل شاغلان در عرصه صنعت رازنان تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر بیش از ۱۰ درصد از شاغلان زن در مشاغل تولید ماشین‌آلات اداری و حساب‌گری، تولید فلزات اساسی حمل و نقل هوایی و تولید ابزار اپتیکی مشغول به کار هستند. ۳ تا ۵ درصد زنان نیز در حوزه استخراج نفت و گاز، جمع‌آوری، تصفیه و توزیع آب، جنگلداری، تولید کاغذ و محصولات کاغذی و تأمین برق و گاز کسب درآمد می‌کنند. حتی آمار نشان می‌دهد که ۱ تا ۲ درصد زنان در استخراج زغال سنگ، انبارداری، تولید محصولات فلزی و سایر سنگ‌های معدنی مشغول به کار هستند.^{۲۹} این آمار نشان‌دهنده گسترش بحرانی جدی در زمینه اشتغال زنان است؛ اما متأسفانه نه تنها اقدامی جهت مهار این بحران صورت نگرفته است، بلکه از سال ۷۶ و با شروع توسعه سیاسی، شاهد گرایش نویی در این زمینه بوده‌ایم. به تدریج زنان فقط به صورت منشی و کارگر در دفاتر مشغول به کار شده‌اند و البته این گرایش در بخش‌های خصوصی، بیش

زنان در بخش‌های دیگر است.

کوته سخن این که: زنان، چه در دوره توسعه اقتصادی و چه در توسعه سیاسی، فقط به صورت ابزار کار مورد توجه قرار گرفته‌اند و این امر به زایل شدن استعدادها و توانایی‌های آنان انجامیده است؛ از این رو امروزه بیش‌ترین و سخت‌ترین مسؤولیت‌ها بر عهده زنان نهاده شده است. این امر در تضاد با برابری حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد است که به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب در اصل بیستم قانون اساسی به آن اشاره شده و حتی بنابر اصل بیست و یکم، دولت موظف به تضمین آن شده است. بر این اساس، تلاش دولت برای رسیدن زنان به حقوق واقعی‌شان، یکی از ضرورت‌های جامعه امروز به‌شمار می‌آید.

شایسته نیست زنانی که با تمام توان برای احیای حقوق خود در پر تو بقای اسلام به پا خاستند، امروزه در شغل‌های طاقت فرسا و ابزاری، شاهد پایمال شدن توان و استعدادهای خویش باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدحسین بهشتی، گفتارها، ج ۳، ص ۱۹.
۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۵.
۳. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۳.
۴. ر. ک. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۱.
۵. ر. ک. همان، ج ۱۱، ص ۱۶۲.
۶. www.c-resaneh.com.
۷. ر. ک. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۸ - ج ۱۲، ص ۳۳۵.
۸. محمدرضا زبیبی‌نژاد و محمدتقی سبحانی، در آسندی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۱۹۱.
۹. ر. ک. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۸۱.
۱۰. ر. ک. همان، ج ۱۳، ص ۲۸۵ - همان، ج ۸، ص ۱۹۵.
۱۱. www.e-resaneh.com.
۱۲. ر. ک. همان.
۱۳. صحیفه نور، ج ۹، ص ۳۳۰.
۱۴. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۳.
- ۱۵ و ۱۶. همان.
۱۷. همان، ج ۹، ص ۱۳۶.
۱۸. www.c-resaneh.com.
۱۹. احمد محسنی گرگانی، زیباترین الگوی پوشش در اسلام ویژه دختران، ص ۱۰۰.
۲۰. همان، ص ۱۰۵.
۲۱. همان، ص ۹۸.
۲۲. فرهنگ شمارهای انقلاب اسلامی، ص ۱۴۸.
۲۳. همان، ص ۲۸۲.
۲۴. www.iranhouseindia.com.
۲۵. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۷.
۲۶. www.Tebyan.net.
۲۷. www.mellat.majlis.ir.
۲۸. همان.
۲۹. روزنامه شرق، ۴ مهر ۱۳۸۳.